

مرگ بر آمریکا و مقوله های حماقت و هویت

۱۵ بهمن ۱۳۹۴ ساعت ۲۳:۲۶

برای حدود پنج دهه یعنی از زمان تصویب قانون خفت بار کاپیتولاسیون در مجلس رژیم ستم‌شاهی (سال ۱۳۴۳) که به آمریکایی‌ها مجوز هر جنایتی را در ایران می‌داد تاکنون شعار «مرگ بر آمریکا» پرطنین تر آوایی بوده که از گلو مردم ایران فریاد شده است. حتی در روزهایی که خبری از جمهوری اسلامی و به تبع آن استقلال، آزادی و دیگر کلیدواژه‌های درود برانگیز نبود، این شعار صدای مشترک مبارزان از قاطبه مردم مسلمان گرفته تا گروه‌های چپ، ملی‌گرا و ... به شمار می‌رفت.

جوان و تاریخ - سعید ملکی

برای حدود پنج دهه یعنی از زمان تصویب قانون خفت بار کاپیتولاسیون در مجلس رژیم ستم‌شاهی (سال ۱۳۴۳) که به آمریکایی‌ها مجوز هر جنایتی را در ایران می‌داد تاکنون شعار «مرگ بر آمریکا» پرطنین تر آوایی بوده که از گلو مردم ایران فریاد شده است. حتی در روزهایی که خبری از جمهوری اسلامی و به تبع آن استقلال، آزادی و دیگر کلیدواژه‌های درود برانگیز نبود، این شعار صدای مشترک مبارزان از قاطبه مردم مسلمان گرفته تا گروه‌های چپ، ملی‌گرا و ... به شمار می‌رفت.

پس از انقلاب نیز جنایات آمریکایی‌ها چنان مکرر و گسترده بود و هست که لازم نیست تظاهرات و گردهمایی‌های مناسبی بهانه‌ای برای سردادن شعار مرگ بر آمریکا ایجاد کند بلکه این عبارت زمزمه‌ای هر از چندگاه برای بسیاری از ایرانیان است مردمی که کسانشان قربانی درنده‌خویی سردمداران دولت صهیونیست پناه‌واشنگتن شده و سال‌ها با نیرنگ، دورویی، خیانت، بدعهدی، تهدید، تحریم و توهین آنان دست و پنجه نرم کرده‌اند.

به این ترتیب، عبارت مرگ بر آمریکا نه فقط یک شعار بلکه مفهومی در هم تنیده با تاریخ معاصر ایران زمین و هویت ملی ایرانیان مسلمان به شمار می‌رود که البته قابل گنجایش در مکان و زمان خاصی نیست؛ به عبارتی زمانی می‌توان برای این شعار تاریخ انقضا در نظر گرفت که خاطره مشترک ملت ایران از چند دهه جنایت پیشگی آمریکا به طور کامل پاک یا کشوری چون ایالات متحده آمریکا همچون رقیب دوره جنگ سرد یعنی اتحاد جماهیر شوروی از صحنه روزگار محو شده باشد.

اما نگاه برخی منجمله خود آمریکایی ها به این مقوله آنچنان که گفته شد نیست. روزهای نخستین مرداد بود که «جان کری» وزیر امور خارجه آمریکا در نشست «شورای روابط خارجی آمریکا» حاضر شد تا از «برجام» یا همان برنامه جامع اقدام مشترک به عنوان جمع بندی مذاکرات ایران و شش قدرت جهانی دفاع کند.

وی در فرایند دفاع از مذاکرات هسته ای و به عنوان یکی از نقاط عطف گفت و گوهایش با هیات ایرانی یادآور شد که به نمایندگان تهران گفته شعار مرگ بر آمریکا کمک کننده نیست بلکه احمقانه است. هرچند اطلاعی از درستی سخنان کری یا پاسخ احتمالی هیات ایرانی در دست نیست اما آنچه مشخص است اینکه احمقانه خواندن یادواره مشترک و هویتی مردم ایران در وهله نخست توهینی آشکار به آنان به شمار می رود.

البته آمریکایی ها در توهین به ملت بزرگ ایران یدی طولی دارند. از وحشی خواندن مردم ایران از سوی «رونالد ریگان» رییس جمهور آمریکا در سال های نخستین انقلاب تا اهانت اخیر «لیندسی گراهام» سناتور و نامزد احتمالی جمهوریخواهان برای ریاست جمهوری که ایرانی ها را دروغگو خوانده بود، نمونه هایی از موضع گیری های قابل تامل مقام های آمریکا است. حتی چهره ای چون «وندی شرمین» مذاکره کننده آمریکایی نیز دیانای ایرانی ها را مملو از فریب و نیرنگ دانسته است.

نکته دوم در این زمینه بلاهت سرکردگان آمریکایی است که پس از حدود چهار دهه هنوز حاضر به دیدن واقعیات انقلاب سال ۱۳۵۷ و جمهوری اسلامی ایران نیستند و همچنان می کوشند با پافشاری بر سیاست هایی شکست خورده و کاربرد انواع ابزارهای تکراری ایران را به تسلیم بکشانند. وجه دیگر این بلاهت انتظار آمریکایی ها برای فراموشی انواع و اقسام خیانت ها و جنایت هایی است که سال هایی طولانی در قبال مردم ایران مرتکب شده اند تا جایی که این پرسش مطرح است که مقامات آمریکا در مورد ملت ایران چه فکر می کنند.

سران واشنگتن یا کورند یا چشمان خود را بسته اند و نمی بینند که مردم ایران حتی جوانانی که کمتر چهره وحشی آمریکا را درک کرده اند در مسابقات ورزشی و اخیرا والیبال نیز بعضی ضدآمریکایی خود را ظاهر می سازند و با حمایت پرشور و بی سابقه از ملی پوشان خود توقع برتری دارند.

البته نمود بارزتر روحیه آمریکاستیز ملت ایران همان شعار مرگ بر آمریکا است که هر ساله در راهپیمایی های میلیونی تکرار می شود و تعطیل پذیر هم نیست از این رو حماقت نه تداوم این شعار بلکه عدم درک واقعیت های آن است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۹۵۷/مرگ-آمریکا-مقوله-حماقت-های-مقوله-آمریکا-مرگ>